۴ کشته به خاطر بی احتیاطی

تصادف یك كامیون كشنده ولوو با دو وانت در آزاد راه امیركبیر اصفهان به مرگ چهار نفر منجر شد.

سرهنگ حسین پورقیصری، رئیس پلیس راه استان اصفهان به سایت پلیس گفت: ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه بامداد سه‌شنبه پنجم آذر امسال وقوع تصادف یك كامیون كشنده ولوو با دو دستگاه خودروی وانت در آزاده راه امیركبیر به پلیس گزارش شد.

ماموران پلیس راهور در آنجا حاضر و در جریان تحقیقات اولیه متوجه شدند دو دستگاه وانت نیسان و وانت پیكان به علت نقص فنی یكی از آنها در كنار آزاد راه توقف كرده بودند و در حال رفع نقص بودند كه یك كامیون كشنده ولوو با آن خودروها تصادف می‌كند.

وی افزود: چهار نفر از افرادی كه در كنار خودروها بودند به‌علت شدت صدمات وارده فوت شدند. بررسی‌های پلیس راهور نشان می‌داد علت وقوع این تصادف مرگبار، نبود توجه به جلو توسط راننده كامیون كشنده بوده است.

عملیات در کولاک

امدادگران، ۲ بیمار گرفتار در برف را از ارتفاعات بندپی نجات دادند

محمد غمخوار
حوادث

امدادگران هلال احمر در عملیاتی نفسگیر در برف و بوران، كودك ۱۱ ماهه و مرد میانسال را از خطر مرگ نجات دادند.

به گزارش خبرنگار جام جم، در آخرین روزهای هفته گذشته چند خانواده كه در ارتفاعات بندپی گرفتار برف و كولاك شده بودند، در تماس با فرمانداری بابل درخواست كمك كردند. پس از این تماس امدادگران پایگاه بندپی هلال احمر راهی منطقه شدند و با بولدزر سعی كردند مسیر را بازگشایی و افراد گرفتار در برف را نجات دهند.

عملیات ادامه داشت، اما پاره شدن زنجیر بولدزر امدادگران را با مشكل روبه‌رو كردند. در همین حین به امدادگران خبر رسید، دو نفر از گرفتاران در برف كه دختر بچه‌ای و مرد میانسالی بودند، به علت بیماری در وضعیت وخیمی به سر می‌برند و باید هرچه سریع‌تر به بیمارستان منتقل شوند.

با توجه به وضعیت بیماران قرار شد یك بالگرد به منطقه اعزام شود و آنها را به پایگاه هلال احمر منتقل كنند.

داوود لشكری، از امدادگران هلال احمر در این عملیات می‌گوید: افراد گرفتار در برف، برای چرای دام به آن منطقه رفته بودند، اما دیر به پایین آمده و در برف گرفتار شده بودند. در ابتدا امدادگران پایگاه بندپی تلاش برای نجات این افراد را آغاز كردند، اما به خاطر وخامت حال دو نفر از آنها از ما درخواست شد به صورت هوایی راهی ارتفاعات شویم. از پایگاه رینه به سمت بندپی حركت كردیم و بالگرد هم از ساری راهی آنجا شد. در میانه راه با تصادفی رو به رو شدیم كه فردی در خودرو گرفتار شده بود. نیم ساعتی آنجا عملیات انجام دادیم و این مصدوم را از داخل خودرو نجات دادیم و بعد به سمت بندپی رفتیم. روز یكشنبه با بالگرد به منطقه اعزام شدیم، به علت برف شدید و كولاك، بالگرد امكان فرود نداشت و به همین خاطر تصمیم گرفتیم تا حدی كه امكان دارد بالگرد به زمین نزدیك شود و بعد ما از طریق طناب پایین برویم و مصدومان را به بالگرد منتقل كنیم.

به ما اعلام شده بود، یكی از بیماران، دختر بچه‌ای است كه بعد از ورود به پناهگاه متوجه شدیم او دختری ۱۱ ماهه است كه انتقالش به بالگرد سخت بود. به همین خاطر او را بعد از قرار دادن در سفره نجات كیسه‌ای قرار داده و همراه مادرش به بالگرد منتقل كردیم.

لشكری ادامه می‌دهد: سپس سراغ مرد ۶۰ ساله رفتیم كه دچار حمله قلبی شده بود. او با دیدن بالگرد و بارش برف از سوار شدن به آن خودداری كرد و به پناهگاهش برگشت، اما در آنجا بیهوش شد. او را بر روی برانكارد بسته و داخل بالگرد منتقل كردیم. بعد هم به پایگاه هلال احمر بازگشته و آنها به مركز درمانی منتقل شدند.

دختر ۱۱ ماهه به علت بیماری در یک قدمی مرگ قرار داشت و خانواده اش به علت برف و کولاک نمی توانستند او را به بیمارستان منتقل کنند

عامل هولناك‌ترین جنایت سال ۹۷ در دادگاه منكر قتل اعضای خانواده‌اش شد

شاید كشته‌ام، شاید هم نكشته‌ام!

فاطمه شیخ علی زاده
حوادث

مرد بوكسور كه در جنایتی هولناك دو دخترش و پدر و مادرزنش را به قتل رسانده بود، در جلسه دادگاه منكر جنایت شد. متهم مدعی شد، برای این‌كه قصاص شود و نزد دخترانش برود، به قتل اعتراف كرده بود.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۶ صبح ۲۴ مهر سال ۹۷، مجید همراه برادرش راهی كلانتری ۱۳۲ نبرد شد و با اعتراف به چهار جنایت، پرده از راز جنایت هولناك خود برداشت.

او در اولین اظهارات خود به ماموران گفت: «من و همسرم چهار سال قبل از هم جدا شده بودیم. اما به خاطر بچه‌ها در كنار همدیگر بودیم. شب قبل از جنایت با لیلا مشاجره كردیم و او از خانه رفت. من قصد سفر داشتم و از پدر و مادر همسر سابقم خواسته بودم به خانه‌مان بیایند تا دخترانم تنها نباشند. آن روز بارها با لیلا تماس گرفتم اما جواب نداد. مادر لیلا می‌گفت كه او می‌خواهد برای همیشه با دخترانم به مشهد برود. این حرف من را به حد جنون برد. برای همین اقدام به قتل اعضای خانه كردم و هر چهار نفرشان را بعد از خوراندن داروی خواب‌آور به قتل رساندم.»

بعد از اعتراف متهم به قتل و طرح شكایت از سوی اولیای دم؛ پرونده برای رسیدگی به دادگاه كیفری یك استان تهران ارسال و دیروز جلسه رسیدگی با حضور اولیای دم و شاكیان برگزار شد.

در ابتدای جلسه همسر مجید در طرح شكایت خود به دادگاه گفت: «به خاطر قتل دخترانم و مادرم تقاضای دیه دارم و به خاطر قتل پدرم تقاضای قصاص می‌كنم. دیه صدمات غیرمنتهی به فوت همه مقتولان را هم می‌خواهم.»

برادر لیلا و دو خواهرش به عنوان اولیای دم مادر و پدرشان از دادگاه به خاطر قتل مادرشان تقاضای دیه و به خاطر قتل پدرشان تقاضای قصاص كردند. همچنین تقاضای صدمات غیرمنتهی به فوت را نیز كردند.

در ادامه دادگاه، متهم در مورد اتهام خود گفت: «اتهاماتم را قبول ندارم. من قاتل فرزندانم نیستم. قتل پدر و مادر لیلا را هم قبول ندارم.»

قاضی: در مورد ادعای خود توضیح بده.

متهم: «ظهر روز قبل از حادثه وقتی به خانه‌مان آمدم، دیدم كه ماشینم بدون قفل در پاركینگ رها شده و شیشه‌های آن هم پایین بود. فهمیدم لیلا و دخترانم با ماشین بیرون رفته‌اند. وقتی آمدم بالا به آنها اعتراض كردم كه چرا حواس‌شان به ماشین نبوده است. سر همین موضوع با لیلا بحثم شد. او خانه را ترك كرد. چند بار با او تماس گرفتم اما به من اهمیت نداد. صبح روز بعد وقتی از خواب بیدار شدم دیدم كه همه اهل خانه كشته شده‌اند. نمی دانم چه كسی این بلا را سر آنها آورده بود.»

قاضی: «صبح روز بعد از حادثه تو به برادرت زنگ زدی و گفتی مرتكب قتل شدی. بعد همراه برادرت سراسیمه به كلانتری رفتی و به قتل اعتراف كردی. حالا چطور اتهام خود را انكار می‌كنی؟»

متهم: «آن روز بعد از این‌كه دخترانم را در آن وضع دیدم، تصمیم گرفتم خودم را بكشم و ۲۰۰ عدد قرص خوردم. بعد هم می‌خواستم رگ دستم را با چاقو بزنم اما به خاطر مصرف قرص‌ها توان نداشم. به حدی گیج و منگ بودم كه نمی‌فهمیدم دارم چه چیزی به ماموران كلانتری می‌گویم.»

قاضی: «در تحقیقات مقدماتی و بازسازی صحنه قتل به‌كرات، به قتل‌ها اعتراف كردی و توضیحات تو در مورد نحوه به قتل رساندن مقتولین با گزارش‌های مامورین از صحنه جنایت منطبق است.»

متهم: «من به حدی از كشته شدن بچه‌هایم شوكه شده بودم كه بعد از روز حادثه چهار ماه در امین‌آباد بستری شده بودم. تمام اعترافاتم برای این بود كه كاری كنم من را قصاص كنند و پیش بچه‌هایم بروم.»

قاضی: «در اظهارات قبلی، نحوه به قتل رساندن مقتولان را با جزئیات تشریح كرده بودی، درباره شب جنایت گفته بودی: «شیرموز درست كردم و در آن قرص خواب‌آور ریختم و برای همین دخترانم و پدربزرگ و مادربزرگشان به خواب عمیق فرو رفتند. اول سراغ سولماز رفتم و روی سینه‌اش نشستم و گلویش را فشار دادم. چند بار نفس بچه‌ام بالا آمد و آخر سر خفه شد. بعد از خفه شدنش با چاقویی كه لیلا با آن مرغ خرد می‌كرد، گلوی سولماز را بریدم كه زودتر تمام كند. وقتی دیدم سولماز چقدر عذاب كشید، برای كشتن ساناز فقط به او چاقو زدم. وقتی داشتم او را روی تخت صاف می‌كردم تا چاقو را زیر گلویش بكشم، بیدار شد و با التماس صدایم می‌كرد و با ترس می‌گفت بابا... بابا.... برای همین با مشت چند ضربه به گیجگاهش زدم كه زودتر تمام كند. از روی تخت افتاد و باز صدایم می‌زد. بغلش كردم و گذاشتمش روی تخت و گلویش را بریدم. بعد سراغ پدر و مادر لیلا رفتم. مادر لیلا بیدار شده بود و در جایش نشسته بود و پایش را ماساژ می‌داد. رفتم یك لیوان آب خوردم و برگشتم كه او دوباره خوابیده بود. گلوی هر دو را بریدم و جان آنها را گرفتم.» «تمام اظهارات تو در مورد جزئیات به قتل رساندن مقتولان منطبق با نظر پزشكی قانونی است.»

متهم: «من عاشق دخترانم بودم. همان شب قبل از خواب برایشان خرید كرده بودم و با هم خوراكی خورده بودیم. من آنها را نكشته‌ام و تمام این حرف‌ها خیالات من بود.»

قاضی: «دفاع آخر...»

متهم: «تمام اظهارات من در دادگاه حرف‌هایی است كه در خیالات من بود. شاید این قتل‌ها را انجام دادم، شاید هم انجام ندادم. واقعا نمی‌دانم!»

قاضی قربانزاده، رئیس شعبه دهم دادگاه كیفری، بعد از شنیدن دفاعیات متهم و وكلای او، ختم جلسه دادگاه را اعلام كرد.

عاشق هم بودیم

بعد از جلسه دادگاه همسر مجید كه حالا داغدار چهار نفر از عزیزترین افراد زندگی‌اش است در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار جام جم از زندگی‌اش قبل از این حادثه صحبت كرد.

از دخترانت بگو.

سولماز ۲۰ ساله و دانشجوی ترم سه رشته حقوق بود. ساناز هم دبیرستانی بود.

چطور با همسرش آشنا شدی؟

اول جوانی با او در محیط كار آشنا شدم. با هم در یك بیمارستان كار می‌كردیم. من عاشق همسرم بودم. برای همین هیچ وقت اشكالات او را نمی‌دیدم.

پس چرا از او جدا شدی؟

برای این‌كه تحقیرم می‌كرد. می‌گفت چرا این همه فحاشی و كتك باز در خانه‌ام می‌مانی. اما من به عشق فرزندانم در زندگی می‌ماندم.

او هم دوستت داشت؟

او هم عاشقم بود. اما چند سالی بود اخلاقش خیلی بد شده بود. احساس می‌كردم پای زن دیگری در زندگی‌ام باز شده است.

رفتارش با بچه هایت خوب بود؟

عالی بود. پدر خیلی خوبی بود. هیچ وقت از او جلوی بچه‌ها بدگویی نمی‌كردم و دخترانم هم عادت داشتند به او احترام بگذارند.

پس چرا این فاجعه رخ داد؟

همسرم همیشه اهل تهدید كردن بود. اما باورم نمی‌شد روزی تهدیداتش را این قدر فجیع عملی كند. شب قبل از حادثه به خانه برادرم رفته بودم. باز مجید به من فحاشی كرده بود. جوابش را نمی‌دادم تا شاید به كارهایش فكر كند. وقتی در كلانتری فهمیدم او بچه‌ها و پدر و مادرم را كشته، شوكه شدم و از حال رفتم. از همان لحظه تا حالا هنوز در شوك و ناباوری هستم.

دام گروگانگیران برای مرد عتیقه‌فروش

معصومه ملكی
حوادث

مردی كه با همدستی دو نفر از دوستانش مرد عتیقه‌فروش را ربوده و بعد از سرقت خودروی هیوندایش، وی را ۱۲ ساعت به گروگان گرفته بودند، بازداشت شدند. متهمان اعتراف كردند چون دوست مرد عتیقه‌فروش سرشان كلاه گذاشته، به قصد انتقامگیری دست به آدم‌ربایی زده بودند تا اخاذی كنند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته مرد جوانی با حضور در دادسرای جنایی تهران از سه مرد به اتهام آدم‌ربایی و سرقت خودروی هیوندای خود شكایت كرد. با دستور قضایی، تحقیقات پلیس آگاهی تهران آغاز شد و گروگان نجات یافته در جریان تحقیقات پلیسی گفت: در زمینه خرید و فروش اموال عتیقه و سكه‌های قدیمی فعالیت دارم. پیش از آدم‌ربایی مردی تلفنی با من حرف زد و گفت تعدادی سكه قدیمی و عتیقه برای فروش دارد. روز حادثه، چند بار محل قرار را عوض كرد و سرانجام خواست به نزدیكی ایستگاه مترو در شرق تهران بروم. قبول كردم و به محل قرار رفتم كه بعد از نیم ساعت، او نزدم آمد و خواست به سمت خودرویشان در همان حوالی بروم تا سكه‌های عتیقه را ارزیابی كنم. وی افزود: چند دقیقه بعد دو سرنشین دیگر خودروی پژو پیاده شدند و همراه فروشنده قلابی مراكتك زدند و به زور داخل خودرویشان انداختند. سرم را زیر صندلی كردند، دست و پاهایم را بستند و دستمالی را جلوی بینی‌ام گرفتند كه بی‌هوش شدم. وقتی به هوش آمدم در صندوق عقب خودروی آدم‌رباها بودم. خودرو مقابل خانه‌ای توقف كرد و وارد آنجا شد. در صندوق عقب را باز كردند و مرا به داخل خانه بردند. قولنامه‌ای را مقابلم گذاشتند و گفتند تو خودرویت را به ما فروخته‌ای و باید این قولنامه را انگشت بزنی كه با تهدید به قتل مجبور به این كار شدم. بعد از ساعاتی مراكه دستان و پاهایم و چشمانم بسته بود به باغ متروكه بردند و رها كردند. نگهبانی صدایم را شنید و نجاتم داد. صدای یكی از آدم‌رباها شبیه فردی بوده كه چندی پیش معامله سكه با یكی از دوستانم انجام داده بود.

در این مرحله ماموران دوربین مداربسته ایستگاه متروی محل ربودن را بازبینی كردند كه معلوم شد ماجرا صحت دارد و او ربوده شده است. آدم‌رباها سه نفر بودند و پلاك آنها مخدوش شده بود و تصویر یكی از آدم‌رباها به همان فردی كه شاكی می‌گوید شباهت دارد. او به عنوان تنها مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد و در تحقیقات پلیسی به طراحی آدم‌ربایی با دو همدستش اعتراف كرد و گفت: چندی پیش به دوست شاكی، سكه‌های قدیمی فروختم، اما او سرم كلاه گذاشت و صد میلیون تومان بقیه پول معامله را نپرداخت. شاكی ضمانت كرد، پول را پس می‌دهد، اما دوستش سرم كلاه گذاشت و ناپدید شد. بنابراین تصمیم گرفتم از ضامن انتقام بگیریم. به بهانه فروش سكه‌های قدیمی او را به محل قرارمان كشاندیم و ربودیم. مرد عتیقه‌فروش ۱۲ ساعت گروگان ما بود و به زور خودروی گران‌قیمتش را با قولنامه‌ای به نام خودمان كردیم. خواستیم از خانواده‌اش اخاذی كنیم كه نشد. با اعتراف وی، دو همدستش نیز بازداشت شدند و به جرایمشان اعتراف كردند. خودروی سرقتی شاكی نیز در مخفیگاه آنها كشف شد.

تلنگر

قتل پسر معتاد به دست مادر

زنی بعد از درگیری با پسر معتادش، او را با زدن ضربه‌های چاقو به قتل رساند.

سرهنگ محمدرضا آمویی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان كرمانشاه به جام جم گفت: وقوع یك فقره درگیری منجر به قتل در شهرك الهیه كرمانشاه به پلیس گزارش شد و ماموران كلانتری در آنجا حاضر شدند. بررسی‌های اولیه پلیسی در خانه‌ای كه جنایت رخ داده بود نشان داد، پسر ۳۶ ساله خانواده با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده است.

وی افزود: در تحقیقات معلوم شد كه عامل جنایت مادر خانواده است. این زن بازداشت و در جریان تحقیقات پلیسی مدعی شد، با پسرش برسر مصرف شیشه اختلاف داشته كه در آخرین درگیری كه با هم داشتند پس از شدت گرفتن اختلافات، عصبانی شده و او را با زدن ضربه‌های چاقو كشته است.

كشف جسد زن ناشناس در خاورشهر

همزمان با كشف جسد زن ناشناسی در كانال آب خاورشهر، تحقیقات برای رازگشایی از مرگ او آغاز شد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، ساعت ۸ صبح سه‌شنبه پنجم آذر امسال، فردی با پلیس ۱۱۰ تلفنی تماس گرفت و خبر داد جسد زنی را روی كانال آب در خاورشهر یافته است. بعد از آن ماموران انتظامی و تیمی از آتش‌نشانان در محل حاضر شدند و در جریان تحقیقات اولیه متوجه شدند جسد متعلق به زنی حدود ۳۵ ساله بوده كه هیچ‌گونه مدارك هویتی همراه ندارد و ناشناس است. جسد او روی آب آمده و با توجه به تورم چهره او مشخص شد كه جسد چند روزی درون آب مانده است.

رازگشایی از پرونده جسد سوخته

مردی كه در پی اختلاف خانوادگی جوانی را به قتل رسانده و جسدش را بعد از سوزاندن در جاده پاسند بهشهر رها كرده بود، بازداشت شد. سرهنگ ابراهیم شجاعی، فرمانده انتظامی شهرستان بهشهر به سایت پلیس گفت: ساعت ۳ و ۲۰ دقیقه بامداد دوم آذر امسال، فردی در تماس با پلیس از یافتن جسدی نیمه سوخته متعلق به مردی ۳۵ ساله در محور روستایی پاسند، خبرداد. ماموران انتظامی برای بررسی ماجرا در آنجا حاضر شدند و زمانی كه جسد سوخته را بررسی كردند، متوجه شدند آثار جراحات روی بدن او وجود داشته كه به نظر می‌رسید به قتل رسیده و بعد جسدش سوزانده شده است.

جسد او به پزشكی قانونی منتقل شد و در جریان تحقیقات با شناسایی خانواده مقتول كه گم‌شدن وی را به پلیس گزارش داده بودند، هویت جسد سوخته كشف شد.

وی افزود: تحقیقات پلیسی برای دستگیری عامل این جنایت ادامه داشت تا این‌كه به سرنخ‌هایی دست یافتند كه نشان می‌داد فردی مدتی بوده با مرد كشته شده اختلاف خانوادگی داشته است. او به عنوان مظنون تحت تعقیب پلیس قرار گرفت تا این‌كه سرانجام مخفیگاه متهم به قتل فراری ۲۵ ساله به دست آمد و او بازداشت شد. وی در جریان تحقیقات پلیسی به قتل آن مرد با انگیزه اختلاف خانوادگی اعتراف كرد و مدعی شد برای پنهان ماندن راز این جنایت جسد وی را سوزانده بود.

شلیك به زندگی نامزد

پسری كه با انگیزه ای نامعلوم با شلیك گلوله نامزدش را در شبستر به قتل رسانده و گریخته بود بازداشت شد.

سرهنگ سیاوش علیفام ، فرمانده انتظامی شهرستان شبستر به فارس گفت: دو روز پیش یكی از مسوولان بیمارستان فاطمیه شبستر با پلیس تماس تلفنی گرفت و خبر داد كه دختر جوانی از ناحیه شكم مورد اصابت گلوله تفنگ ساچمه‌ای قرار گرفته و برای درمان به آنجا منتقل شده اما با توجه به تلاش پزشكان فوت كرده است. تحقیقات پلیسی درباره مرگ او نشان می‌داد پسر جوانی كه نامزدش بوده به او شلیك كرده و باعث مرگش شده است.

وی افزود: با شناسایی هویت متهم به قتل فراری او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و یك شبانه روز بعد از جنایت بازداشت شد. متهم با انتقال به پلیس آگاهی بازجویی شد و به قتل نامزدش اعتراف كرد اما در باره انگیزه اش از این جنایت سكوت كرده كه تحقیقات در این باره ادامه دارد.